

بسمه تعالی

حق بر حمایت شدن به مثابه حقوق شهروندی

(مبانی نظری و حقوقی نظارت نهاد ناظر بر بیمه های تجاری)

سید جواد میرقاسمی

حقوق شهروندی به معنای مجموعه حقوق و امتیازات افراد یک جامعه است که به همه افراد صرف نظر از نژاد، مذهب، دین، جنسیت، مرام سیاسی تعلق می گیرد.

اینکه چگونه حقی را می توان از مصادیق حق شهروندی دانست بیش از آنکه فهرست و مصادیق روشنی از این حقوق وجود داشته باشد بایستی از جنس و ماهیت حق و وضعیت افرادی که حق به آنها تعلق می گیرد چنین امری را تشخیص و تمیز داد. به بیان دیگر شهروندان یک جامعه در نقشها و کارکردهای اجتماعی گوناگون که دارند از حقوق و وظایف خاصی برخوردار می گردند که برخی از این حقوق به لحاظ ویژگی خاص حق و صاحب حق از مقوله حقوق شهروندی تلقی می گردد.

با پیدایش و اسیتلای دولتهای لیبرال غربی در نظام سیاسی کشورها و حمایت از اقتصاد سرمایه محور و گسترش بخش خصوصی، توجه و حمایت از حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی اشخاص به عنوان نسل دوم حقوق بشر گسترش یافت و در اسناد بین المللی به این حقوق توجه بیشتری گردید.

این نوع حقوق بیشتر از جنس حق - امتیاز بوده و بایستی توسط دولتها مورد حمایت قرار گیرند. به بیان دیگر دولتها در قبال افراد کشور خود در مقام یک شهروند دارای تکالیفی هستند که ناظر بر مقولاتی چون رفاه، معیشت، تامین اجتماعی، بهداشت عمومی شهروندان است. ماهیت رابطه در گسترش و شناسایی حقوق شهروندی نقش به سزایی داشته و یک معیار اساسی محسوب می شود. به بیان دیگر وقتی یک رابطه حقوقی بین دو شخص در جامعه شکل می گیرد که از حیث توان مالی و کارشناسی و سایر شئون برابر نیستند و تعداد افراد قرارگرفته در وضعیت ضعیف تر زیاد و معتنابه بوده می توان از حق مورد حمایت قرارگرفتن توسط دولتها سخن گفت. به عنوان مثال در رابطه بین کارگر و

کارفرما به دلیل ماهیت دو طرف رابطه و به دلایلی که گفته شد یکی از حقوق کارگران حمایت توسط نهاد دولتی می باشد .

با توجه به مقدمات فوق می توان وضعیت شهروندی که در مقام بیمه گذار قرار می گیرد را نیز از همین سنخ ارزیابی نمود و حمایت از آن را به مثابه یک حق شهروندی تلقی نمود و در طرف مقابل دولت را مکلف به حمایت از آن دانست . به بیان دیگر وقتی یک شهروند در مقام بیمه گذار قرار می گیرد از حیث اقتصادی ، تخصص بیمه ای و سایر ضرورتها و اهمیت های تعهدات بیمه گران ، در وضعیت خاصی قرار می گیرد که بایستی جهت حفظ حقوق آن مورد حمایت دولت قرار گیرد و این حمایت را می توان از بدو پیدایش رابطه بیمه ای تا خاتم آن که پرداخت خسارت است در برمی گیرد .

در واقع نویسنده بر آن است تا در این مقاله به اثبات این امر بپردازد که به دلیل ماهیت خاص دو طرف یک رابطه بیمه ای ، حمایت از حقوق یک طرف که طبیعتاً بیمه گذرا است در مقام شهروند در مقابل دولت از حق حمایت شدن برخوردار است که می توان این را از مقوله حقوق شهروندی بیمه گذاران دانست .

اول - اهمیت و حساسیت امر بیمه

یک دلیل مبنایی برای اینکه دولتها بایستی بر امر بیمه نظارت داشته باشند و هدف از این نظارت بایستی معطوف حمایت از حقوق بیمه گذاران باشد ماهیت و حساسیت امر بیمه و خدمات بیمه ای است که در این بخش بدان می پردازیم.

۱- تعهد بیمه گر معطوف به آینده است .

اصولاً بیمه ، تعهدی را در آینده بر دوش بیمه گر قرار می دهد و در زمان عقد قرارداد بیمه ، بیمه گذار متعهد به پرداخت حق بیمه خواهد بود و بیمه گر متعهد می گردد که در صورتیکه در آینده خسارتی برای بیمه گذار محقق گردد نسبت به پرداخت آن اقدام نماید .

سؤال اساسی اینجاست که این ناظر بر آتیه بودن تعهدات بیمه گران چگونه می تواند مهم و اساسی قلمداد گردد؟!

در بیمه قانون اعداد بزرگ حاکم است و منطق بیمه گری، این را به اثبات رسانده است که هرچه تعداد بیمه گذاران افزایش یابد احتمال بروز خطر و ریسک شرکت بیمه کاهش خواهد یافت و عملیات بیمه گری با سود توأم خواهد بود . بنابر این تلاش تمام بیمه گران آن است که هرچه بر تعداد بیمه گذاران خود بیفزایند و از ابزار تبلیغات ، تخفیفات و خدمات بهینه به این امر مبادرت نمایند .

از طرف دیگر وقتی یک شرکت بیمه نسبت به جذب پرتفو و حق بیمه های بیمه گذاران اقدام می نماید و تعهد وی نیز ناظر بر آینده است موضوع اساسی که مطرح می گردد توان مالی بیمه گر است و در واقع تمام هدف و غایت عقد بیمه ، امنیت خاطر و آرامشی است که بایستی برای بیمه گذار در جامعه ایجاد نماید و اگر یک شرکت بیمه نتواند در ایفای تعهدات خود موفق باشد ، این فلسفه وجودی بیمه گری زیر سؤال رفته و شهروندان را به سمت خودبیمه گری سوق خواهد داد .

در این رویکرد است که نقش و وظیفه نهاد ناظر دولتی بروز می نماید و در جهت تنظیم رابطه و نهایتاً حمایت از یک طرف رابطه ورود می نماید . نهاد ناظر در این زمینه از بدو تشکیل شرکت بیمه تا زمان فعالیت و حتی انحلال به چند عامل اصلی توجه نموده و همواره آنها را مدنظر قرار می دهد تا بتواند حقوق بیمه گذاران را تضمین نماید .

۱-۱- توان مالی

اولین مساله توان مالی و اقتصادی، شرکت بیمه است در واقع تعیین حداقل سرمایه مورد نیاز در زمان تشکیل ، اجرای برنامه توانگری مالی در زمان فعالیت و رتبه بندی شرکتهای بیمه و توجه به نحوه و میزان سرمایه گذاری شرکتهای بیمه و همچنین تعیین ظرفیت نگهداری و پیش بینی پوششهای اجباری و اختیاری اتکایی همگی در جهت نظارت بر توان مالی شرکت بیمه بوده و با این هدف دنبال می شود که شرکتهای بیمه امکان ایفای تعهدات خود را داشته باشند .

۱-۲- صلاحیت حرفه ای و تخصصی مدیران

دومین عامل مورد نظر نهاد ناظر صلاحیت حرفه ای موسسان و مدیران شرکت بیمه است؛ در واقع بیمه فنی دانش محور بوده که مبتنی بر اصول ریاضی و اکچوئری و دانش ارزیابی ریسک و خسارت می باشد و هر شرکتی که بخواهد در امر بیمه گری موفق باشد و بهترین خدمات را با مطلوبترین قیمتها به شهروندان و بیمه گذاران ارائه نماید بایستی مدیران و کارکنان خود را از بین افراد دارای صلاحیت حرفه ای و با دانش بیمه ای انتخاب نماید. که در این مقوله نیز نهاد ناظر حساسیت خاص خود را داشته و در زمان انتصاب و استمرار فعالیت بر این مقوله نظارت نموده و جهت این نظارت نیز نهایتاً در راستای حمایت از بیمه گذاران خواهد بود.

۲- بیمه گذار در وضعیت اضطراری به خدمات بیمه نیاز دارد.

در زمان عقد بیمه، هیچ بیمه گذاری با نیت اینکه قطعاً با خسارت مواجه خواهد شد و نسبت به خرید بیمه اقدام نمی کند ولی با این امید نسبت به این امر مبادرت می کند که در زمانی که با یک خسارت مواجه شد و حیات اقتصادی و حیثیت اجتماعی وی به مخاطره افتاد در کمترین زمان خسارت واقع شده وی جبران و، وی به وضعیت قبل از وقوع خسارت که یک حالت عادی و نرمال است بازگردد. در واقع در زمان وقوع خسارت وضعیت زندگی یک شهروند و بیمه گذار، در وضعیت غیرعادی و اضطراری قرار می گیرد که در صورت بهنگام و بهینه نبودن خدمات بیمه گران، وی در همان وضعیت گرفتار گردیده و ادامه حیات اجتماعی و اقتصادی وی با مخاطره مواجه خواهد شد.

توجه به این مقوله و وضعیت خاصی که هر شهروندی امکان قرار گرفتن در آن را خواهد داشت نیز از دیگر دلایل حمایت نهاد ناظر از بیمه گذار تلقی می گردد.

در این زمینه نیز نهاد ناظر مکلف به اقداماتی است که مهمترین آنها عبارتند از ایجاد زمینه های لازم برای مستقل و عادلانه بودن ارزیابی خسارت، فراهم نمودن امکان رسیدگی به شکایت و سهولت در آن برای تمام بیمه گذاران، پیش بینی ضمانت اجراهای قطعی و غیرقابل برگشت در برخورد با تخلفات بیمه گران و رتبه بندی شرکتهای بیمه در زمینه رضایت مشتریان و ارائه خدمات.

دوم - وضعیت خاص بیمه گذار در رابطه بیمه ای

در یک رابطه بیمه ای که دو طرف بیمه گر و بیمه گذار قرارداد ، همواره بیمه گذار در وضعیت خاصی از حیث توان کارشناسی ، اقتصادی و فنی و حقوقی قرار دارد که این مقوله نیز از ادله نگارنده در حقوق شهروندی دانستن حمایت از بیمه گذاران محسوب می گردد .

در این قسمت به مهمترین مقولاتی می پردازیم که اثبات کننده ادعای فوق الذکر محسوب می گردد .

۱- نابرابری دانش تخصصی دو طرف رابطه

شرکتهای بیمه در ایران و سراسر دنیا ، به عنوان شرکتهای دانش محور ، از توان کارشناسی تخصصی بالایی برخوردار هستند . هر شرکت بیمه با برخورداری از یک تیم تخصصی و حرفه ای همواره در بروز کردن دانش و تخصص افراد و کارکنان و مدیران خود می کوشد و از این دانش فنی در تنظیم بیمه نامه ها ارزیابی ریسک ، ارزیابی خسارت و سایر خدمات استفاده می نماید .

هدف و غایت هر فعالیت اقتصادی حداکثر رساندن سود و بهره وری بالا است و این امر در بیمه هم وجود دارد که البته ذاتاً امر مستحسن و پسندیده است . لیکن نکته ای که در این رویکرد اهمیت دارد سوء استفاده از این دانش و تخصص در ارائه خدمات بیمه ای است . چراکه در یک رابطه بیمه ای یک طرف رابطه از حداکثر توان کارشناسی و تخصص برخوردار است و طرف دیگر رابطه ، عموماً فاقد هرگونه دانش و تخصص در این زمینه است . این نابرابری روابط نیز از مقولات بسیار مهم در حمایت از یک طرف رابطه توسط نهاد ناظر دولتی است . نهاد ناظر در این زمینه بایستی جهت از بین بردن هرگونه امکان سوء استفاده از بی دانشی بیمه گذار و در جهت حفظ حقوق وی با ابزارهای قانونی از وی حفاظت و حمایت نماید .

مهمترین اقدامات نهاد ناظر در این زمینه عبارتند از : تدوین مقررات در زمینه شرایط عمومی قراردادهای بیمه و مقررات گذاری لازم در زمینه ار بین بردن شروط یک جانبه در قراردادهای بیمه ای و همچنین

اطلاع رسانی گسترده به بیمه گذاران در زمینه آشنایی با حقوق خود و ایجاد واحدهای مشاوره بیمه ای قابل دسترسی برای بیمه گذاران در سراسر کشور .

۲- عدم امکان ایجاد تشکل صنفی توسط بیمه گذاران

در نظامهای سیاسی و اقتصادی جدید تشکلهای صنفی به عنوان حلقه رابط دولت و شهروندان وظیفه حفظ و حمایت از حقوق صنفی شهروندان را برعهده دارند .

تشکلهای اقتصادی با عنوان بخش مهمی از جامعه مدنی تلقی گردیده و از این حیث اهمیت بسیار زیادی در حیات سیاسی و اقتصادی جامعه ایفا می نمایند .

بیمه گران به موجب ماده ۷۵ قانون تاسیس بیمه مرکزی دارای حق تشکیل سندیکای بیمه گران هستند و می توانند از این طریق منافع و حقوق صنفی خود را دنبال نمایند.

از طرف دیگر بیمه گذاران به دلیل تکثر و پراکندگی و عدم امکان دسترسی به یکدیگر و عدم تشابه فعالیتهای آنها ماهیتاً امکان تشکیل چنین تشکل صنفی را نداشته و در واقع از این ظرفیت بسیار مهم جهت حمایت از حقوق و منافع صنفی بی بهره هستند و این امر حضور دولتها را به عنوان حامی و پشتیبان بیمه گذاران ضروری ساخته و این امر نیز از دلایل ضرورت حمایت حقوق بیمه گذاران توسط حاکمیت تلقی می گردد .

سوم - اجباری بودن خرید برخی بیمه ها

یکی دیگر از ادله نگارنده اجباری بودن برخی بیمه هاست . اصولاً بیمه های تجاری اختیاری بوده و شهروندان در صورت نیاز مبادرت به خرید آنها می نمایند . ولی در جوامعی که به دلایل اقتصادی و فرهنگی ضریب نفوذ بیمه پایین است ، اجباری بودن برخی از بیمه ها ضرورتی اجتماعی تلقی می گردد.

وقتی حاکمیت در راستای حمایت از حقوق اجتماعی شهروندان برخی از بیمه‌ها را اجباری می‌نماید از طرف دیگر این وظیفه را دارد که در برابر این اجباری شدن خرید بیمه، از بیمه‌گذاران این بیمه‌ها حمایت خاص و ویژه نماید.

در واقع در بیمه‌های اجباری امکان سوء استفاده بیشتری وجود داشته و به دلیل ضرورت قانونی شهروندان مکلف به خرید این بیمه‌نامه‌ها هستند. در چنین شرایطی بیمه‌گران بعضاً با سوء استفاده از این اجبار قانونی نسبت به تزییع حق و نادیده انگاشتن حقوق بیمه‌گذاران در رابطه بیمه‌ای مبادرت می‌نمایند.

در این موارد نیز نهاد ناظر با تدوین شرایط و استانداردهای تعیین حق بیمه و پیش بینی مکانیسم‌های لازم جهت پرداخت به موقع خسارت تزییع حق بیمه‌گذاران را منتفی نماید.

در حقیقت وقتی بیمه‌ای اجباری می‌گردد، حضور نهاد ناظر از هر حیث پررنگ‌تر و محسوس‌تر خواهد بود و این بدلالیل مختلف می‌باشد. اولین مساله اهمیت موضوع تحت بیمه است وقتی در کشوری یک رشته از بیمه اجباری می‌شود این اجباری شدن به دلیل ضرورت و حساسیت است که موضوع آن بیمه ----- است. بعنوان مثال وقتی در کشور ما حوادث جاده‌ای به شدت بالا می‌رود و از طرف دیگر شهروندان توجهی به خرید بیمه نمی‌نمایند، حاکمیت با اجباری کردن بیمه شخص ثالث در جهت حمایت از قربانیان حوادث جاده‌ای گام برداشته است.

حال آنکه مساله اساسی این است که وقتی رابطه بیمه‌گر و بیمه‌گذار بر اساس یک قانون بیمه اجبای شکل گرفت، نهاد ناظر بایستی با حساسیت بیشتر نسبت به بیمه‌های اختیاری در صدد حمایت از حقوق بیمه‌گذاران برآید.

دومین محور اهمیت بیمه‌های اجباری، فراگیر بودن آن و درواقع شیوع این نوع بیمه در بین بیمه‌گذاران به اصطلاح خرد است و این فراگیر بودن و خرد بودن نیز ماهیتاً حمایت و صیانت از حقوق آنان را ضروری می‌سازد. چرا که هر گونه اهمال بیمه‌گران در ایفای تعهدات خود می‌تواند بحران‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

همچنین در این زمینه نهاد ناظر علاوه بر همه مواردی که تاکنون گفته شد بایستی از تحمیل سایر بیمه ها به بیمه گذاران و شهروندان ، جلوگیری از نرخ شکنی و شکل گیری رقابت ناسالم اقدام نماید که این مقولات نیز در راستای حفظ و حمایت از حقوق بیمه گذاران بایستی دنبال شود .

چهارم - وضعیت غیررقابتی اقتصاد کشور

یکی دیگر از مقولاتی که ضرورت حمایت از حقوق بیمه گذاران را پررنگ تر می نماید وضعیت خاص حاکم بر اقتصاد برخی کشورهای در حال توسعه مانند ایران است .

با این توضیح که در اقتصاد رقابتی شرکتهای بیمه بخش خصوصی در راستای جذب هرچه بیشتر پرتفوی بیمه ای در ارائه خدمات بیمه ای مطلوبتر و ارائه پوشش های بیمه ای متنوع تر و گسترده تر با قیمت های منطقی و مناسب تر رقابت نموده و این فضای رقابتی ، خودبه خودبه نفع بیمه گذاران را تامین و حقوق آنها را تضمین می نماید .

ضمن اینکه در چنین اقتصادی ، توانگری مالی شرکتهای بیمه و رتبه بندی آنها می تواند نقش مؤثری در جذب پرتفو و استقبال بیمه گذاران را در پی داشته باشد .

در طرف مقابل در یک اقتصاد دولتی و شبه دولتی مبتنی بر فضای غیررقابتی و انحصاری چند عامل اساسی حضور پررنگ نهاد ناظر بیمه ای جهت حفظ حقوق بیمه گذاران را ضروری می سازد . اولین عامل بی توجهی به کیفیت خدمات توسط شرکتهای بیمه است ؛ وقتی مشتریان شرکتهای بیمه با توجه به فضای غیررقابتی و انحصاری حاکم امکان انتخاب نداشته و ناگزیر به مراجعه به شرکت خاصی می باشند، دیگر شرکت بیمه انگیزه ای در ارائه خدمات مطلوب و بهنگام احساس ننموده و از این وضعیت انحصاری کمال استفاده را می نماید .

معمولاً در اقتصادهای رانت محور و دولتی و شبه دولتی که شرکتهای بیمه مستقیم و غیرمستقیم به دولت وابسته هستند ، اصولی چون تکریم ارباب رجوع ، توجه به حقوق مشتریان ، ارائه خدمات بهتر جهت حفظ آنها بیشتر جنبه شعارگونه پیدا می کند و در واقعیت امر امکان تحقق نمی یابد .

حال در چنین موقعیتی وجود نهاد ناظر دولتی ، می تواند با ایفای نقش حاکمیتی خود ، شرکتهای را از طریق مقررات الزام آور و دارای ضمانت اجراهای موثر به رعایت حقوق بیمه گذاران سوق دهد . در واقع در این چنین وضعیت اقتصادی شرکتهای به طور خودجوش انگیزه ای برای رعایت حقوق بیمه گذاران خرد نداشته و بایستی با مکانیزم های نظارتی و الزام آور آنها را به این امر وادار نمود .

پنجم : بیمه تجاری مکمل بیمه های اجتماعی هستند

به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی ، بیکاری، پیری ، از کارافتادگی ، بی سرپرستی، در راه ماندگی ، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی . دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمد حاصل از مشارکت مردم ، خدمات و حمایتهای ملی فوق را برای یکایک افراد کشور تامین کند .

هرچند به موجب این اصل ارائه خدمات بیمه اجتماعی از وظایف دولت است ولی همواره به دلیل کمبود منابع و امکانات ، دولت در این بخش به ارائه خدمات پایه اکتفا نموده و شرکتهای بیمه تجاری خدمات تکمیلی در حوزه های مورد نظر را ارائه می نمایند که مهمترین آنها عبارتند از خدمات تکمیلی بیمه درمان ، بیمه عمر و بازنشستگی و سایر بیمه های مرتبط .

اهمیت بیمه های اجتماعی و نقش آنها در تامین عدالت اجتماعی از موضوعات مهم و اساسی است که به عنوان یک حق شهروندی شناخته شده و در میثاق های بین المللی و قانون اساسی بدان تصریح گردیده است .

از طرف دیگر با توجه به اینکه همواره دولتها به طور کامل امکانات تحقق این بیمه ها را نداشته و شهروندان جهت جبران پوشش ها به بیمه های تجاری مراجعه می نمایند و بیمه ها با پوشش دادن این موارد ، نقش مهمی در تحقق اهداف مدنظر ، ایفا می نمایند و به دغدغه شهروندان در زمینه خدمات بهداشت و درمان و بازنشستگی و از کارافتادگی پاسخ داده و نقش اجتماعی موثری در این زمینه خواهند داشت .

با توجه به اهمیت نقش بیمه ها در تکمیل پوشش های بیمه اجتماعی ، ضرورت و حساسیت خدمات تحت پوشش بایستی مد نظر قرار گرفته و با توجه به بالارفتن اهمیت موضوع ، بحث حمایت از حقوق بیمه گذاران و مطالبه شهروندان از دولت جهت حمایت از حقوق خود مطرح می گردد . که در این زمینه نیز حق حمایت شدن به مثابه حق شهروندی بروز و ظهور می نماید .

نتیجه گیری :

شهروندان به دلیل قرار گرفتن در نقش یک بیمه گذار از حقوقی برخوردار می گردند که این حق همانا مورد حمایت قرار گرفتن توسط نهاد ناظر دولتی است .

ادله‌ای که می توان برای این ادعا برشمرد متعددی است که مهمترین آنها : وضعیت نابرابر دوطرف رابطه در یک قرارداد بیمه ای ، عدم امکان تشکل صنفی توسط بیمه گذاران ، معطوف به آینده بودن تعهدات بیمه‌گران و سایر عوامل می باشد .

در کنار این عوامل مهم که حمایت از حقوق بیمه گذاران را بعنوان یک حق شهروندی مورد شناسایی و احترام قرار می دهد وضعیت خاص حاکم در برخی جوامع نیز تقویت کننده این دیدگاه است . در حقیقت در اقتصاد غیررقابتی انحصارگرا که شرکتها خودبخود انگیزه های لازم برای احترام به حقوق مشتریان خود را ندارند خصوصاً در زمینه بیمه های اجباری ، ضرورت حمایت از حقوق بیمه گذاران بیش از کشورهای مبتنی بر فضای رقابتی و غیرانحصاری به چشم می آید .

بنابراین با دلایل مطروحه ، همانطور که شهروندان از حق تامین اجتماعی ، حق دسترسی به بهداشت فردی مناسب و سایر حقوق شناخته شده اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برخوردار هستند ، وقتی بعنوان یک بیمه گذار شناخته می شوند از حق حمایت از حقوق در برابر بیمه گر برخوردارند که این حق همسنگ با حقوق پیش گفته است که حقی قابل مطالبه و پیگیری توسط آحاد جامعه و شهروندان است .

منابع :

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد
- ۳- قانون تاسیس بیمه مرکزی و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰
- ۴- قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷
- ۵- آئین نامه حمایت از حقوق بیمه گذاران مصوب شورایعالی بیمه
- ۶- آئین نامه سرمایه گذاری شرکتهای بیمه مصوب شورایعالی بیمه
- ۷- آئین نامه نظارت بر توانگری موسسات بیمه مصوب شورایعالی بیمه
- ۸- ضوابط تاسیس موسسات بیمه غیردولتی مصوب شورایعالی بیمه
- ۹- آئین نامه تعرفه حق بیمه اجباری شخص ثالث مصوب هیات وزیران

چکیده

عنوان مقاله : حق بر حمایت شدن به مثابه حق شهروندی (مبانی نظری و حقوقی نظارت نهاد ناظر بر بیمه های تجاری)

نویسنده : دکتر سید جواد میرقاسمی مدیر کل حقوقی بیمه مرکزی ج .ا .ایران

حقوق شهروندی در معنای مجموعه امتیازات متعلق به شهروندان جامعه است که تعلق این حق به شهروندان ارتباطی با جنسیت ، نژاد ، مذهب و سایر خصوصیات آنها ندارد . در اینکه چه حقوق جزء حقوق شهروندی محسوب می گردد همواره مناقشه و اختلاف نظر وجود داشته است .

از جمله ویژگیهایی که می تواند یک حق را واجد عنوان حق شهروندی نماید ، خصوصیات دو طرف رابطه حقوقی و نابرابری دو طرف و همچنین ماهیت موضوع حق است که این دو ویژگی در رابطه بیمه‌ای بین بیمه گر و بیمه گزار به وضوح دیده می شود .

به عبارت دیگر دو طرف رابطه در قرارداد بیمه ، از دانش و تخصص و توان مالی یکسانی برخوردار نبوده و خدمات بیمه ای از یکطرف ماهیتاً معطوف به آتیه بوده و از طرف دیگر زیان‌دیده در شرایط اضطرار و بحران به آن نیاز دارد ضمن اینکه بیمه های تجاری مکمل بیمه های اجتماعی هستند .

با توجه به این ویژگی ، حمایت از حقوق شهروند در مقام بیمه گذار توسط دولت می تواند به عنوان حق شهروندی مطرح و این حق را قابل مطالبه و پیگیری می نماید و از طرف دیگر تکلیفی بر دوش دولتها جهت حمایت از حقوق بیمه گذاران بار می نماید .

کلید واژگان : (حقوق شهروندی) _ (بیمه های اجتماعی) _ (بیمه های تجاری) _ (نهاد ناظر)

(حقوق اقتصادی - اجتماعی) - (نظام اقتصادی غیررقابتی و انحصاری)

